

گزارش تاریخی

پیمان سعدآبادونقش پیدادر شاهشاه در شطرنج انگلیسی!



۱۷ تیر ۱۳۱۶، وزرای خارجه چهار کشور ایران، ترکیه، عراق و افغانستان، پیمان عدم تعرضی را در کاخ سعدآباد امضا کردند که بستر زمینه‌آن، از مدت‌هاپیش، به‌واسطه فعالیت‌هاونفوذپشت پرده وپنهانی سیاستمداران انگلیسی فراهم شده بود. این پیمان که به پیمان سعدآباد شهرت پیدا کرد، وحدتنظرویریکردیکسان چهارکشورادرسیاست عمومی وحیاتبمتقابل، درصورت بروزخطرنسبت بهیکی ازدولت‌هایعضو،پیشینی‌وهرحهاردولت را متعهد می کرد که ضمن محترم شمردن حدودو نفوذمرزی مشترک،سیاست مداخله کردن مطلق در امور داخلی یکدیگراذنبال کنندوازیجادتنش بپرهیزند. در مقطعی که به امضای پیمان سعدآباد انجامید، یکی از کشورهایی که نقش بسزایی در شکل گیری تحولات بین‌المللی داشت، انگلیس بود.درواقع، دراین باز زمانی، ساختار موازنه‌قدرت نظام بین‌الملل، باسه جبهه‌دموکراسی‌های غربی، فاشیسمو کمونیسم استالینی‌روهو بود. در این بین، سیاست جهان غرب، به رهبری انگلیس، در قبال دو جبهه دیگر، در مناطق مختلف جهان و از جمله منطقه حساس خاورمیانه، منشأوقوع حوادث مهمی شد که آثار و پیامدهای آن در انعقاد پیمان سعدآبادقابل مشاهده‌است. انگلیس که در این‌زمان، سراسر خاورمیانه را به‌روش‌های مختلف تحت‌نفوذ وسلطه خود گرفته‌واز سال‌هاقبل به‌فکر ایجادسدی آهنین در جنوب‌شوری‌ودناز توسعه‌طلبی ونفوذ کمونیسمبه‌سمت خلیج‌فارس وچاه‌های نفت جنوب ایران، جلوگیری کند، تمام‌توان خود را به کار گرفت تا زمینه انعقادیک پیمان منطقه‌ای بین دولت‌های دست‌نشانده منطقه را فراهم کند؛ به این ترتیب، به اثر کوشش انگلیسی‌ها،زمینه‌های حل اختلافات میان چهار کشور منطقه و انعقاد پیمان سعدآبادبین ایران، ترکیه، عراق و افغانستان فراهم شد. حسین مکی، در یادداشت‌هایش، درباره نقش انگلیس در انعقاد این پیمان، به انقلاب بلشویکی ۱۹۱۷ در روسیه وحشت انگلیس از وقوع این انقلاب در سایر نقاط اشاره کرده و نوشته است: «انگلستان پس از وقوع انقلاب بلشویکی در روسیه در سال ۱۹۱۷ تلاش کرد تا باتشکیل حکومت‌های قوی و دست‌نشانده در جنوب روسیه، یعنی کشور های ایران، ترکیه، عراق و افغانستان، نیرویی را تشکیل دهد تا سد محکم‌ی که بر او بر هندوستان یا به تعبیر خود او در حکم ملایم کننده ضربه به کار آیند.» به‌باور مکی، انگلیسی‌ها در نظر داشتند برای این که حلقه‌ای پولادین به‌دور اتحاد جماهیر شوروی بکشند، پیمانی چهار جانبه میان تهران، آنکارا، بغداد و کابل برقرار کنند. در همین راستا، ابتدا برای ایجاد روابط دوستانه میان ایران، آنکارا، دست به کار شدند. نتیجه این تلاش‌ها، به‌سفر شاه‌به‌ترکیه منجر شد. همچنین، ظن قوی این است که به‌موازات این سفر، لندن تلاش کرد تا روابط گرم‌ودستانه‌ای میان چهار کشور به‌وجودآورد. هوشنگ مهدوی نیز با موضوع نقش و تأثیر انگلیس در پیمان سعدآباد موافق است و می‌نویسد: «زمانه‌ای که انگلیسی فکر انعقادیک پیمان دفاعی بین کشور‌های خاورمیانه در فاصله بین دو جنگ را مطرح می کردند و آن را به عنوان سدی در جلوگیری از توسعه ونفوذ شوروی به سوی خلیج فارس و چاه‌های نفت خاور میانه لازم می‌شمردند. به همین دلیل در طول چند سال تلاش کردند اختلافات میان دولت‌های عضو این پیمان را مرتفع کنند و زمینه انعقاد پیمان را فراهم آورند.»

نقش رضاشاه در این بین، نقشی مهم بود. این پیمان تبعات مخفیتهی برای ایران در پی نداشت؛ از جمله این تبعات، واگذاری چند منطقه در ترفع به ترکیه بود که رضاشاه، از باب نشان دادن حسن نیت آن‌ها را واگذار کرد. جالب این جاست که بعدها در دوره محمدرضا پهلوی نیز، چنین رویکردی در قالب پیمان سنتو به مرحله اجرا در آمد؛ منتها در این پیمان، آمریکایی‌ها جای انگلیس را گرفته‌بودند. پیمان سعدآباد، در واقع اجرای سیاست‌های خاورمیانه‌ای و ضد کمونیستی انگلیس، با بودجه کشور‌های منطقه محسوب می شد.

آگهی مزایده نوبت دوم

شهرداری نیشابور در نظر دارد از طریق برگزاری آگهی مزایده (نوبت دوم) ساخت، نصب و بهره‌برداری تعداد ۱۵۰ عدد تابلوی تبلیغاتی لایت‌باکس و ۱۹۶ لمپوستدو طرفه سطح شهر نیشابور را با مشارکت بخش خصوصی با طول دوره پایه ۵/۵ سال، طبق شرایط ذیل از طریق برگزاری مزایده اقدام نماید. لذا از کلیه متقاضیان واجد صلاحیت مالی و قانونی دعوت‌ور به عمل می آید جهت دریافت اسناد مزایده و اطلاعات تکمیلی به سامانه ستاد ایران به آدرس **www.setadiran.ir** مراجعه نمایند.
کلیه جزئیات در اسناد مزایده درج شده‌است.

مهلت دریافت اسناد مزایده تا ساعت ۱۴ روز دو شنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۶/۰۶ تا ساعت ۱۴ آخرین مهلت ثبت پیشنهاد قیمت در سامانه ستاد ایران (**www.setadiran.ir**) تا ساعت ۱۴ روز پنجشنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۶/۱۶
هزینه آگهی روزنامه به عهده برنده مزایده می باشد.

تاریخ

حاجی عابدزاده؛ مشهورترین خادم قرآن در تاریخ مشهد

نگاهی به زندگی، زمانه و خدمات مرحوم حاج علی اصغر عابدزاده که فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی خود را ذیل فعالیت‌های قرآنی تعریف می کرد و با این شیوه، به یکی از تأثیرگذارترین مردان تاریخ معاصر مشهد تبدیل شد

گروه تاریخ – تأسیس جلسات قرآن و نیز انجمن‌هایی که حول آموزش قرآنّت و مفاهیم این کتاب آسمانی شکل می‌گرفت، طی دهه‌های ۱۳۱۰ تا ۱۳۳۰ خورشیدی، نوعی واکنش به جوحاکم بر جامعه بود؛ ابتدا حکومت پراختناق رضاشاه و پس از آن، حضور گسترده و فعال جریان‌های مارکسیستی. هر چند که این دو تهدید عمده، منشأ و ویژگی‌های کاملاً متفاوتی داشت، اما حاصل آن برای جامعه مسلمان ایران یک چیز بود؛ مذهب‌دایی و حمله به مقدسات اسلامی. مرحوم حاج علی اصغر عابدزاده در چنین شرایطی، وارد میدان شد؛ او حدود سال ۱۳۱۹، در اوج اختناق رضاشاهی، سنگ‌بنای نظام بین‌الملل، با سه جبهه‌دموکراسی‌های غربی، فاشیسم و کمونیسم استالینی روهو بود. در این بین، سیاست جهان غرب، به رهبری انگلیس، در قبال دو جبهه دیگر، در مناطق مختلف جهان و از جمله منطقه حساس خاورمیانه، منشأوقوع حوادث مهمی شد که آثار و پیامدهای آن در انعقاد پیمان سعدآباد قابل مشاهده‌است. انگلیس که در این‌زمان، سراسر خاورمیانه را به‌روش‌های مختلف تحت‌نفوذ وسلطه خود گرفته‌واز سال‌ها قبل به‌فکر ایجادسدی آهنین در جنوب‌شوروی‌ودناز توسعه‌طلبی ونفوذ کمونیسمبه‌سمت خلیج‌فارس وچاه‌های نفت جنوب ایران، جلوگیری کند، تمام‌توان خود را به کار گرفت تا زمینه انعقادیک پیمان منطقه‌ای بین دولت‌های دست‌نشانده منطقه را فراهم کند؛ به این ترتیب، به اثر کوشش انگلیسی‌ها، زمینه‌های حل اختلافات میان چهار کشور منطقه و انعقاد پیمان سعدآباد بین ایران، ترکیه، عراق و افغانستان فراهم شد. حسین مکی، در یادداشت‌هایش، درباره نقش انگلیس در انعقاد این پیمان، به انقلاب بلشویکی ۱۹۱۷ در روسیه وحشت انگلیس از وقوع این انقلاب در سایر نقاط اشاره کرده و نوشته است: «انگلستان پس از وقوع انقلاب بلشویکی در روسیه در سال ۱۹۱۷ تلاش کرد تا باتشکیل حکومت‌های قوی و دست‌نشانده در جنوب روسیه، یعنی کشور های ایران، ترکیه، عراق و افغانستان، نیرویی را تشکیل دهد تا سد محکم‌ی که بر او بر هندوستان یا به تعبیر خود او در حکم ملایم کننده ضربه به کار آیند.» به‌باور مکی، انگلیسی‌ها در نظر داشتند برای این که حلقه‌ای پولادین به‌دور اتحاد جماهیر شوروی بکشند، پیمانی چهار جانبه میان تهران، آنکارا، بغداد و کابل برقرار کنند. در همین راستا، ابتدا برای ایجاد روابط دوستانه میان ایران، آنکارا، دست به کار شدند. نتیجه این تلاش‌ها، به‌سفر شاه‌به‌ترکیه منجر شد. همچنین، ظن قوی این است که به‌موازات این سفر، لندن تلاش کرد تا روابط گرم‌ودستانه‌ای میان چهار کشور به‌وجودآورد. هوشنگ مهدوی نیز با موضوع نقش و تأثیر انگلیس در پیمان سعدآباد موافق است و می‌نویسد: «زمانه‌ای که انگلیسی فکر انعقادیک پیمان دفاعی بین کشور‌های خاورمیانه در فاصله بین دو جنگ را مطرح می کردند و آن را به عنوان سدی در جلوگیری از توسعه ونفوذ شوروی به سوی خلیج فارس و چاه‌های نفت خاور میانه لازم می‌شمردند. به همین دلیل در طول چند سال تلاش کردند اختلافات میان دولت‌های عضو این پیمان را مرتفع کنند و زمینه انعقاد پیمان را فراهم آورند.»

نقش رضاشاه در این بین، نقشی مهم بود. این پیمان تبعات مخفیتهی برای ایران در پی نداشت؛ از جمله این تبعات، واگذاری چند منطقه در ترفع به ترکیه بود که رضاشاه، از باب نشان دادن حسن نیت آن‌ها را واگذار کرد. جالب این جاست که بعدها در دوره محمدرضا پهلوی نیز، چنین رویکردی در قالب پیمان سنتو به مرحله اجرا در آمد؛ منتها در این پیمان، آمریکایی‌ها جای انگلیس را گرفته‌بودند. پیمان سعدآباد، در واقع اجرای سیاست‌های خاورمیانه‌ای و ضد کمونیستی انگلیس، با بودجه کشور‌های منطقه محسوب می شد.

صفحه آرایی

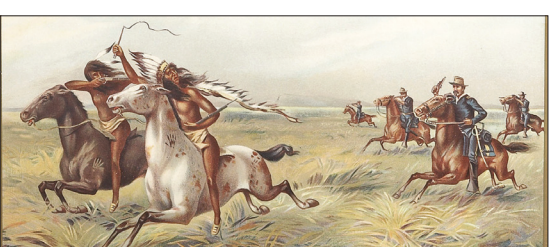
واحد صفحه‌آرایی روزنامه خراسان

سفارش می‌پذیرد

۰۵۱۳۷۰۰۹۳۹۰

layout@khorasannews.com

چرا سرخ‌پوستان، نوزادان خود را خفه می کردند ؟



راه به جایی نبرد. اگر به کوه فرار می کردند، تحت تعقیب قرار می گرفتند و به قتل می‌رسیدند. لاس‌کازاس می‌نویسد: در نتیجه، آن‌ها با سکوتی مایوسانه، در معدن‌ها و نقاط دیگر کار می کردند، زجر می کشیدند و می‌مردند؛ زیرا کسی را ندانستند که بتواند به آن‌ها کمک کند. ... اگر نوزادی به دنیا می‌آمد، به زودی خفه می‌کردند. لاس‌کازاس آن قدر کار کرده‌و دچار سوءتعدیه بودند که شیر برای سیر کردن نوزاد خود نداشتند. هنگامی که [در سال ۱۵۰۳ میلادی] در کوبا بودم، طی سه‌ماه، هفت‌هزار نوزاد

به همین دلیل جان سپردند.

برخی از مادران از فرط نومیدی و در ماندگی، نوزادان خود را در آب خفه می‌کردند. لاس‌کازاس نوشته‌است وقتی وی در سال ۱۵۰۸ به اسپانیولا رفت، وی هم

رفته ۶۰ هزار نفر در جزیره زندگی می‌کردند، یعنی بین سال‌های ۱۴۹۴ تا ۱۵۰۸، بیش از سه

دست‌ان مردم آمریکا؛ هوار دین؛ ترجمه خ. ظهوری؛ صفحات ۱۲ و ۱۳

چهارشنبه اول شهریور ۱۴۰۲. شماره ۲۱۲۹۱

۶ صفر ۱۴۴۵. ۲۳ آگوست ۲۰۲۳



تمام کسانی که مدافع نهضت ملی شدن صنعت نفت بودند، سخت‌تر شد. مرحوم عابدزاده در مشهد، به عنوان یکی از رهبران اصلی نهضت، تحت نظر قرار گرفت و گزارش‌های روزانه فعالیت‌های او به تهران ارسال می‌شد. حساسیت رژیم پهلوی نسبت به فعالیت‌های مرحوم عابدزاده چنان بود که اطلاعات مربوط به او را مستقیم به «دفتر مخصوص شاهنشاهی» ارسال می‌کردند و به اطلاع شاه می‌رساندند. دغدغه دستگاه امنیتی رژیم درباره مرحوم عابدزاده، با عضویت وی در نهضت مقاومت ملی بیشتر شد. گزارش‌های ساواک نشان می‌دهد که بر نامه مدوئی برای تخریب شخصیت وی در مشهد ترتیب داده شده بود که البته راه به جایی نبرد. بالاخره در تابستان سال ۱۳۳۶، دستور بازداشت مرحوم عابدزاده را صادر و او را همراه با افرادی مانند استاد محمدتقی شریعتی، دکتر علی شریعتی و تنی چند از فعالان سیاسی مشهد، بازداشت و روانه تهران کردند. بازداشت مرحوم عابدزاده، واکنش علما را برانگیخت؛ آیت‌ا... سیدعبدا... شیرازی، طی پیامی از نجف به دولت وقت، به شدت به این اقدام اعتراض کرد. کار به جایی رسید که رژیم به ناچار مرحوم عابدزاده را از زندان آزاد و به مسافرخانه «عبان» به بازچه مروی تهران منتقل کرد؛ او، شش‌ماه را تحت‌نظر در این محل گذراند، تا این که ساواک تحت شرایط خاص به وی اجازه داد که به مشهد بازگردد. مرحوم عابدزاده را با قاطر به نیشابور انتقال دادند و بعد شبانه‌وار دمشهد کردند. مأموران مانع استقبال و مراجعه مردم به او شدند. مرحوم عابدزاده از این زمان، در حالی که همواره تحت نظر بود، کارهای خود را به فعالیت‌های قرآنی و فرهنگی محدود کرد؛ اما با اوج گرفتن انقلاب اسلامی، به همراهی با آن پرداخت. او روز دهم دی‌ماه سال ۱۳۵۷ و پس از وصول خبر کشتار مردم در خیابان‌های مشهد، دچار سکنه مغزی شد و در بستر افتاد؛ شش‌روز بعد، در ۱۳۶۵، بر اثر عوارض ناشی از آن سکنه مغزی، دارفانی را وداع گفت. او را در سرداب ساختمان مهدیه‌اش به خاک سپردند.

■ **خاموشی پیر جلسات قرآن مشهد**

با وقوع کوتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، شرایط برای

نکته تاریخی

نوشته‌اند که سال‌هاپیش، ناصرالدین‌شاه در سفرهای پر حاشیه‌اش به فرنگستان، افزون بر زنان خوش سیمای غربی، متوجه نظام کنترل اجتماعی کارآمدی شد که در شهرهای اروپایی برقرار بود و به نظرش خوشایند و جالب رسید. او نتوانست در برابر نظام پلیسی غربی مقاومت کندو همین علاقه و کشش، زمینه‌ساز تأسیس اداره موسوم به نظمیه در پایتخت حکومت قاجار شد. این سیستم نظارت شهری و نظمیه نوپدید، در واقع به مهم‌ترین و ملموس‌ترین دستاورد سفرهای شاه به فرنگ، در حلقه فرهنگ تبدیل شد که سال‌ها از نبود امنیت، رنج می‌بردند. داده‌های تاریخی هم، حکایت از موفقیت نسبی نظمیه در تأمین امنیت تهران آن روزگار دارد؛ به طوری که شادوقت نیز، در تأیید این موفقیت، لقب فاخر نظم‌الملک و منصب

امان از وضعیت خراب نظمیه!

امیرتومانی با در آمدی در خور و همچنین، این رباعی را به رئیس اتریشی نظمیه تهران اهدا کرد: «اندیشه کنند خیل رندان ز پلیس / یک جو نرود به خرج ایشان تلپیس / در کنده کنت فرخ خواهد فرسود / چراخ اگر خطا نماید بر جیس [!].» رئیس نظمیه تا مدت‌ها مسئولیت برقراری امنیت پایتخت را بر عهده داشت، اما بر اثر سخن چینی و دو دوزه بازی برخی مخالفانش، جایگاه خود را از دست داد و دست‌آخر هم، ناامید و خسته، در تهران در گذشت و دستگاه نظمیه قجری، مزین به فساد ی شد که در دربار نیز ساری و جاری بود! البته می‌توان در دل فساد دستگاه نظمیه قجری، بحران‌های اجتماعی و فساد اخلاقی آن دوران را هم تماشا کرد؛ روحیه‌ای خودخواهانه و منفعت طلبانه که حتی شیخ‌ترین لژاد را برای منتسبان به دستگاه نظمیه، مشروع و لازم‌الاجرا نشان می‌داد.

تاریخ جهان

نازی‌های جوان و آینده‌بر بادرفته!



جوانان هیتلری در جریان یک کنگره که در سال ۱۹۴۲ در شهر وین بر گزار شد، به تأسیس نهادهی موسوم به «اتحادیه جوانان اروپایی» اقدام کردند. اما رویای «اروپای نوین» آن‌ها در حد یک خواب و خیال و پندار خام باقی ماند. در سالن بزرگ ساختمانی واقع در «رینگ اشتراسه» که زمانی محل پارتی‌های اتریش در شهر وین به شمار می‌رفت، شور و حال غریبی حاکم بود. نزدیک به ۳۰۰ جوان کم سن و سال و همین‌طور بزرگ سالان جوان، از ۱۸ کشور اروپایی، به پایلاکد بزرگی که بر به اصطلاح پیشانی سالن قرار داشت، چشم دوخته بودند. روی این تابلو، تصویر اساطیری آن‌گا و نر و اروپایی ر بوده‌شده نقش بسته بود. [اروپا در اساطیر یونانی دختر پادشاه سیدون بود که توسط زئوس که خود را به صورت یک گاو نر در آورده بود، ربوده شد و از همین حال «بالدور فون شیراخ» ۳۵ ساله و فرمانده سابق جوانان هیتلری که در آن روز‌ها، از سوی دولت نازی آلمان به فرمانداری وین منصوب شده بود، روی سن آمد و پس از خوش آمدگویی به حاضران گفت: «اولین کنگره اروپای جوان را افتتاح می‌کنم.» پس از وی، «آلدو ویروسونی»، فرمانده ۲۸ ساله جوانان فاشیست ایتالیا، پشت تریبون قرار گرفت و سلام‌های گرم بنیتوموسولینی را به حاضران ابلاغ کرد. افزون بر آلمان و ایتالیا، نمایندگان و فرستادگان ۱۲ کشور دیگر اروپایی، در قالب هیئت‌های چند نفره، در مراسم افتتاحیه حضور داشتند. از جمله این کشورها می‌توان از بلغارستان، دانمارک، کرواسی، هلند، نروژ، رومانی، اسلواکی، اسپانیا و مجارستان یاد کرد. بعد از برگزاری برنامه‌های متعدد که باتشویق شدید حضار همراه بود، شیراخ از مهمانان خارجی برای حضور در کاخ مشهور «شون برون» وین دعوت کرد. در آن جاو در سالن جشن کاخ، حاضران شاهد اجرای برنامه‌ای سوزی‌ایرایی دولتی وین بودند؛ در سالن موسیقی، به اجرای اثر معروف «عروسی فیگارو»، ساخته موتسارت گوش سپردند. اما آن برنامه فرهنگی که با پرچم تزئینی ملت‌های اروپا در وین و طی جمعی ۱۰۰ هزار نفری، در هلدین پلاتز این شهر، در تاریخ ۱۹ سپتامبر ۱۹۴۲ برگزار شد؛ با واقعیات موجود هیچ سختی نداشت و اقدامی کاملاً فریبنده به شمار می‌رفت. کنگره جوانان در حاشیه ویرانه‌ها و تپاچه‌ها برگزار شد؛ زیرا در همان کار که جوانان هیتلری در وین جشن گرفته بودند، سربازان آلمانی دو هزار کیلومتر دورتر، یعنی در شرق اروپا و داخل شهر استالینگراد شکست خورند.